

## عنوان مقاله:

مطالعه نسبت هنر با پروبلماتیزه کردن در اندیشه های میشل فوکو

## محل انتشار:

دوفصلنامه شناخت، دوره 14، شماره 2 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 15

## نویسندگان:

محمدعلی عبدالمحمدی - کارشناس ارشد پژوهش هنر، دانشکده پژوهش های عالی هنر و کارآفرینی، دانشگاه هنر اصفهان، ایران

نادر شایگان فر - دانشیار گروه پژوهش هنر، دانشکده پژوهش های عالی هنر و کارآفرینی، دانشگاه هنر اصفهان، ایران

## خلاصه مقاله:

پروبلماتیزه کردن مفهومی مهم در اندیشه های فوکو است که در سرتاسر تحلیل های تاریخی او نقش اساسی دارد. او پروبلماتیزه کردن را تفسیر خاصی از نشانه ها می داند. از سوی دیگر، او در تحلیل های خود، اهمیت هنر در تفسیر تاریخ را هم سطح با دیگر حوزه ها قرار می دهد. مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که پروبلماتیزه کردن در اندیشه های او چه نسبتی با هنر دارد. برای پرداختن به این مسئله ابتدا جایگاه این مفهوم در اندیشه فوکو بررسی شد و سپس با استفاده از بخش هایی که او به تحلیل آثار هنری پرداخته است رابطه هنر با این مفهوم مورد مذاقه قرار گرفت. نتیجه حاصل شده اینگونه بود که فوکو به دو معنا مفهوم پروبلماتیزه کردن را استفاده می کند. در معنای اول به امری تاریخی اشاره دارد که به وسیله دانش و قدرت پروبلماتیزه شده و حقایقی پیرامون آن به وجود آمده است. در معنای دوم برای او، پروبلماتیزه کردن فعالیت فلسفی- تاریخی است که به وسیله آن تاریخ اکنون تحلیل می شود. بررسی ها نشان داد که در تحلیل های تاریخی او، هنر در جایگاه استراتژی دانش یا تکنیک قدرت، موضوعات مختلف را پروبلماتیزه می کند. از سوی دیگر، تحلیل برخی آثار هنری برای فوکو به مثابه فعالیتی فلسفی است تا که تاریخ اکنون را پروبلماتیزه کند. بر همین اساس هنر با هر دو معنای پروبلماتیزه کردن رابطه مستقیم و درونی دارد.

## کلمات کلیدی:

میشل فوکو، پروبلماتیزه کردن، هنر

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1403868>

